

چگونه کودکانی متدین تربیت کنیم؟

منصوره رحمان دوست

انسان دارای یک فطرت اولیه است که همان استعدادهای عالی انسانی، از جمله: استعداد خداگرایی، استعداد تفکر، استعداد حقیقت‌جویی و امثال این‌هاست. هنگامی که تربیت با فطرت هماهنگ باشد، باعث رشد انسان می‌شود، ولی وقتی تربیت، فطری نباشد به جای رشد دادن استعدادهای عالی فطری، غرایز، امیال و شهوات انسانی را مورد توجه قرار می‌دهد و این امیال را به طور افراطی ارضا و اشباع می‌کند.

از آن‌جا که اسلام دین هدایت و تربیت است، برای ایجاد زمینه رشد و کمال در انسان و جامعه، طرح و برنامه دارد. تمام دستورها و احکامی که در این «شریعت کامل» تعیین شده برای آن است که عوامل بازدارنده و اختلال‌گر را از جلوی روی انسان «در حال شدن» بردارد و او را به سرمنزل مقصود برساند.

یکی از جنبه‌های زندگی انسان، جنبه تربیتی اوست؛ یعنی



افراد جامعه به شرایط و موقعیت مناسبی نیاز دارند تا توانایی‌ها و استعداد‌های خود را شکوفا کنند و با کسب صلاحیت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز به اعضای مفید و کارآمد جامعه تبدیل شوند.

برخی از دانشمندان، «تربیت» را فعلیت یافتن قوه‌ها دانسته، معتقدند که انسان در آغاز نوزادی مرکب از مجموعه قوه‌هاست و در صورت فعلیت یافتن این قوه‌ها، تربیت فرد تحقق خواهد یافت. (ملکی، ۱۳۷۹)

عده دیگر، تربیت را استخراج استعداد‌های درونی انسان می‌دانند و معتقدند که مربی واقعی کسی است که بتواند نیروهای سرشار انسانی را استخراج کند.

گروه سوم معتقدند که تربیت به شکوفایی و پرورده ساختن اطلاق می‌شود، مانند باغبانی که با تلاش فراوان میوه کم‌ارزش درختی را پرارزش‌تر می‌کند. در این جا عمل باغبان را پرورش گویند، زیرا او با توجه به اصول درست کشاورزی پیوندی به درخت زده که در پرتو آن میوه درخت ارزش بیش‌تری پیدا کرده است. روی این اصل اگر مربی، کودک را شکوفا سازد و پرورش دهد، عمل «تربیت» را انجام داده است.

برخی نیز از قبیل واتسون - روان‌شناس آمریکایی - معتقدند که هر انسانی محصول فعل و انفعالات محیط تربیتی اوست. این جمله مهم از اوست که می‌گوید: «ده کودک سالم به من بدهید، هر آن چه که شما می‌خواهید من به شما تحویل می‌دهم.» از آن جا که این ادعا غیرواقعی و افراطی بود، در هیچ زمانی تحقق نیافت.

می‌توان ادعا کرد که تربیت فرایندی تدریجی است که قبل از تولد آغاز می‌شود و پس از تولد با تدبیر تربیتی والدین ادامه می‌یابد. برای اولین بار والدین در صفحه کتاب ذهنی و روانی کودک نخستین درس‌ها را می‌نویسند و فرزند خود را با انواع صلاحیت‌ها آشنا می‌سازند. والدین اند که راه زندگی را بر روی کودک می‌کشایند و درس‌های آغازین حیات را به او می‌آموزند. بنا به فرمایش پیامبر اکرم (ص)، کل مولود یولد علی الفطره. یعنی هر کودکی با فطرت توحیدی و الهی قدم به جهان می‌گذارد و این محیط تربیتی (خانواده) است که به او شکل می‌دهد. (رشیدپور، ۱۳۸۲)

از آن جا که بسیاری از دشواری‌ها و بدبختی‌های جامعه معلول ندانستن و آگاه نبودن‌هاست، لذا بزرگ‌ترین رسالت والدین، پرورش عقل و خرد فرزندان است که ناشی از تربیت

صحیح و آموزش درست فرزندان می‌باشد. در ارزشمند بودن عقل و خرد همین بس که خداوند می‌فرماید: ما خلقت خلقاً افضل منک. (کافی، باب عقل، ج ۱)

امام صادق (ع) می‌فرماید: ستون وجودی انسان عقل است و هوشمندی، فهم، حافظه و دانش هم از سرچشمه عقل جوشیدن می‌گیرد. (سفینه البحار، ماده عقل / ۱۰)

اما در ارتباط با «تربیت دینی» و رشد اخلاقی کودکان، باید خود والدین عامل به واجبات و دوری‌کننده از محرمات باشند، با زبان ساده و کودکانه و به تدریج نگرش دینی مطلوب را در آن‌ها به وجود آورند و توجه آن‌ها را به جهان آفرینش و آفریننده عالم جلب کنند. در این زمینه توجه به نکات زیر ضروری به نظر می‌رسد:

۱- خانواده در تفکر اسلامی جایگاهی بسیار رفیع دارد. برخی امور در خانواده مهم و بعضی اهم‌اند، اما اموری وجود دارد که با واژه اهم نیز نمی‌توان جایگاه آن را معلوم کرد که از جمله این موضوعات، تربیت دینی است. تربیت دینی قبل از هر عامل دیگری از درون خانواده ریشه می‌گیرد و از طریق تأثیرگذاری خانواده تکوین می‌یابد.

۲- صفاتی که به ویژه به وسیله مادر به فرزند منتقل می‌شود، به اکتسابات بعدی آدمی در زندگی جهت می‌دهد و در واقع بحث و سخن بر سر ذات و تکوین و نوع رَجَمی است که کودک در آن شکل پیدا کرده است.

زمانی که میان آموزش‌های دینی
یا راه‌کارهای عملی ارائه شده
توسط خانه و اجتماع (مدرسه)
هماهنگی وجود نداشته باشد،
کودک دچار تضاد می‌شود و
نمی‌تواند سره را از ناسره
تشخیص دهد.



در زمینه رشد عواطف دینی
کودکان می توان از احساس
مذهبی در آن ها استفاده کرد.
احساس مذهبی یکی از
عمیق ترین گرایش های فطری
در انسان است که اگر زمینه برای
شکوفایی آن فراهم باشد به
سرعت رشد می کند.

۳- آغاز خلقت انسان در کره زمین با خانواده شروع شده
در واقع نشانگر این است که خانواده رکن عالم هستی است
و این خانواده است که به کل هستی جهت می دهد.
از سه نکته فوق در می یابیم که در طول زندگی انسان،
هیچ یک از نهادها، سازمان ها و عوامل اثرگذار بر انسان
نمی تواند با خانواده و اثرگذاری آن بر کودک (انسان) برابری
کند. والدین به اندازه قابلیت ها و شایستگی های خود
می توانند محصول با ارزشی از جهات مختلف، به خصوص
رشد دینی و تربیت اعتقادی به یادگار بگذارند. خدا در قرآن
به پاس این ارزش و اهمیت، حقوق والدین را در کنار توحید
و خداشناسی قرار داده است. (سوره اسراء، آیه ۲۴)

کودکان خوب و به دنبال آن انسان های بزرگ، افراد متعهد و
فعال تربیت شده، به جامعه تحویل داده می شود و بالعکس.
اسلام پدران و مادران را در امر تربیت دینی و اخلاقی
فرزندان خویش مسئول می داند. پیامبر اکرم (ص) در این باره
می فرمایند: **أدبوا اولادکم فإنکم مسئولون.** (سفینه البحار، ماده
ادب)

علی (ع) نیز فرموده اند: **اکرموا اولادکم و احسنوا آدابهم.**
(بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴)

تربیت دینی کودک در دوران قبل از دبستان محدود به
ایجاد انس نسبت به مسائل دینی است، به این معنی که کودک
آن چه را که به طور منظم در محیط خانواده می بیند، نسبت به
آن انس پیدا می کند و همین انس اولیه زمینه را برای پدید آمدن
عادت و انجام فرایض دینی در مراحل بعدی فراهم می آورد.
مشاهده آداب دینی و عبادات مذهبی، به ویژه نماز که در هر

با توجه به ارزش و قداست خانواده در می یابیم که: خانه اولین
مدرسه تربیت اخلاقی و دینی است و کودک به تدریج، براساس
مشاهدات روزمره، پایه های اخلاقی خود را پی ریزی می کند.
در محیط خانه، کودک تعالیم خوب و بد را فرا گرفته،
زیربنای اخلاقی او شکل می گیرد. کودک همانند نهال تازه ای
است که هر طور او را پرورش دهیم، همان گونه می شود.
(سادات، ۱۳۸۲)

خانه، پرورشگاه اطفال است، بنابراین اگر والدین و سایر
اعضای خانواده دارای روش صحیح و اخلاق نیک باشند،

شبانۀ روز به طور منظم از طرف بزرگ‌ترها در محیط خانۀ انجام می‌شود، در ذهن و روان کودک نقش می‌بندد.

باتوجه به حس تقلید در کودک، مشاهده می‌شود که کودک از سال دوم زندگی از حرکات والدین تقلید می‌کند. اگر انجام این حرکات بانوازش و تشویق والدین همراه باشد، بر رغبت کودک می‌افزاید. همین تأثیرات روحی و خاطرات شیرین است که در آیندۀ کودک و جهت‌گیری‌های بعدی او بسیار مؤثر خواهد بود.

نکته قابل تأکید در این‌جا این است که نباید علایق دینی والدین، آن‌ها را به زیاده‌خواهی در این زمینه وا دارد، بلکه باید زمینه انجام داوطلبانۀ برخی آداب دینی را فراهم کنند. (زرهانی، ۱۳۸۵)

در زمینه رشد عواطف دینی کودکان می‌توان از احساس مذهبی در آن‌ها استفاده کرد. احساس مذهبی یکی از عمیق‌ترین گرایش‌های فطری در انسان است که اگر زمینه برای شکوفایی آن فراهم باشد به سرعت رشد می‌کند. اگر در مقابل چون و چرای کودک در مورد معتقدات دینی از دلایل ساده‌ای که در خور فهم او باشد استفاده کنیم، راضی و قانع می‌شود. هرگز نباید ذهن او را با استدلال‌هایی که فراتر از درک ذهنی او هستند، آشفته ساخت، زیرا ظرفیت ذهنی کودک از طریق ارائه دلایل مورد قبولش، جهان‌بینی او را شکل می‌دهد و بینش دینی او را هدایت می‌کند. (ملکی، ۱۳۸۲)

تربیت دینی و چالش‌های اساسی

امروزه خانواده‌ها در تربیت دینی فرزندان خود با مسائل و چالش‌هایی مواجه‌اند. چرا که راه تربیت، راه همواری نیست که در آن حرکت‌ها به صورت عادی انجام پذیرد. راه تربیت در شرایط امروز، راه پر پیچ و خمی است که اگر راهنمایان و هادیان تربیت، ماهر نباشند، شکست می‌خورند. لذا والدین باید چالش‌های اساسی تربیت را بشناسند. در این‌جا به چند چالش مهم به طور مختصر اشاره می‌شود.

۱- تضاد میان شیوۀ‌های تربیتی خانۀ و جامعه

زمانی که میان آموزش‌های دینی یا راه‌کارهای عملی ارائه شده توسط خانۀ و اجتماع (مدرسه) هماهنگی وجود نداشته باشد، کودک دچار تضاد می‌شود و نمی‌تواند سره را از ناسره تشخیص دهد. به خاطر این سردرگمی است که او به طرف همسالان

می‌رود که نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار و شخصیت وی دارند؛ حال، چگونه پاسخ بگیرد، جای بسی تأمل دارد. کودک معمولاً به جهتی حرکت می‌کند که مورد تأیید قرار گیرد و در صورتی که خانوادۀ کودک را نپذیرد و مورد حمایت قرار ندهد، او با یکی از چالش‌های بزرگ زندگی خود روبه‌رو می‌شود.

۲- نقش وسایل ارتباط جمعی

وسایل ارتباط جمعی به دلیل تنوع و جاذبه‌های هنری، کودک و نوجوان و حتی بزرگسالان را به سوی خود می‌کشند و به رفتار آن‌ها جهت می‌دهند. این تأثیرگذاری گاهی به گونه‌ای است که افراد از آن آگاه نیستند.

زیان‌بارترین تغییر در زندگی، تغییرات ناآگاهانه و تحمیلی است. وسایل ارتباط جمعی، مخصوصاً تلویزیون، در زندگی امروز تغییرات ناخواسته زیادی را بر تربیت کودک و نگرش‌های دینی او تحمیل می‌کنند. حال سؤال این است که والدین در تربیت دینی فرزند خود، با این هجوم رسانه‌ای چه باید بکنند؟ در پاسخ به این سؤال، شاید بتوان گفت که اگر خانوادۀ از همان ابتدای حیات کودک با یک برنامه جامع، عمیق و هماهنگ برای تربیت فرزندشان اقدام کنند و هیچ‌گاه تربیت دینی فرزند را در حاشیه قرار ندهند، مهارت‌هایی در او شکل می‌گیرد که در سال‌های بعد به منتقد وسایل ارتباط جمعی تبدیل می‌شود و در این حالت است که با معیارهای تربیتی، مشاهدات خود را به نقد می‌کشد و اصلاح می‌کند.

فهرست منابع:

- قرآن مجید
- ملکی، حسن (۱۳۸۲): خانوادۀ و تربیت دینی، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- سادات، محمد علی (۱۳۸۲): رفتار والدین با فرزندان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- رشیدپور، مجید (۱۳۸۲): آشنایی با تعلیم و تربیت، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- زرهانی، سید احمد (۱۳۸۰): نگاهی به نقش‌های تربیتی خانۀ و مدرسه، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ملکی، حسن (۱۳۷۹): تعلیم و تربیت کودک و نوجوان، تهران، انتشارات مدرسه.